

از خرمای بصره

درآمدی بر شناخت و تحلیل شعر معاصر عراق

پژوهش و تحلیل: مجید افشاری

ترجمه اشعار: اصغر علی کرمی

ویراستار: بهرینا شکوری

www.ketab.ir



فهرست

۷.....	یادداشت ۱.....
۱۱.....	یادداشت ۲.....
۱۳.....	عدنان الصائغ.....
۱۹.....	محمد ماجد العتایی.....
۳۰.....	احمد الرفاع.....
۳۶.....	علی ابراهیم الیاسری.....
۴۶.....	حسین هلیل.....
۵۶.....	عباس نائر.....
۶۳.....	عمار عبدالخالق.....
۶۸.....	مالک البطلی.....
۷۳.....	زین العزیز.....
۸۰.....	صفاء سعد.....

www.ketab.ir

یادداشت ۱

ممکن‌ترین محل تلاقی یک انسان با خودش، ذهن اوست و شعر از ذهن آغاز می‌شود. بدیهی‌ترین و بکرترین نقطه‌ی آغازی که می‌توان تصور کرد انسان با شعر به خودش یادآور می‌شود که می‌تواند جهان درونی را تجربه کند، به اشتراک بگذارد و توسعه دهد. تاثیر کلام تا جایی بالاست که معجزه‌ی خاتم الانبیا، محمد مصطفی (ص) کلام‌الله است. دستور، صدور حکم، تعیین سرنوشت، خبر و همه‌چیز وابسته به کلمات هستند و اگر گزاف‌گویی نباشد، کلمه تنها آئینه‌ی انسان است. ما در آئینه‌ی کلمات زندگی می‌کنیم، رشد می‌کنیم و طلوع و غروب داریم.

شعر چیزی جز شکستن قواعد نیست؛ همین که جور دیگر می‌بینی و توصیف می‌کنی یعنی در همان ابتدا بنا را بر شکستن قواعد ذهن و زبان گذاشته‌ای. حال شاکله‌ی هر نگارشی به مرور زمان پذیرفته می‌شود و در

بلوغ یافتن مبدل به قالب نگارشی برای آیندگان می‌گردد؛ اول چند کلمه کنار هم، بعد موزون و بعد چاشنی فنون و صنایع ادبی، و در نهایت هویت ساختاری پیدا کردن که می‌شود قالب دوبیتی، مثنوی یا قصیده و قالب‌های دیگر. و نهایتاً در چنین مسیرهای مشخصی از حیث قالب، ذهن و زبان شاعران حرکت می‌کند. اما چندی که بگذرد نیازهای بیشتری برای بیان دغدغه‌ها، حالات و عواطف انسانی احساس می‌شود، نیاز به راحتی در بیان، نیاز به قالب‌شکنی و نزدیک کردن بیشتر زبان به نحو طبیعی گفتار، کم‌کم با فاصله گرفتن از مسیرهای مشخص و از پیش تعیین شده شاعر در فراغ‌بالی تمرکزش روی تعابیر و توصیفات است. جانمایی آنها در مساحت قالب شعری که گاهی بسیاری از کلمات، قربانی تنگنای عروض می‌شوند؛ شعر فارسی به این تجربه‌ی باستانی بازگشت (نخستین نیایش‌ها که ضرباهنگ داشتند و نه قافیه و ردیف) و رویکرد نیمایی (رعایت وزن و قافیه اما برهم‌نش تساوی ارکان) و سپس سپیدسرایی را امکانی یافت که در کنار قالب‌های قدما می‌است در شعر معاصر عراق نیز تغییر در قالب شعری که اجتناب‌ناپذیر است در شعر معاصر عراق نیز مشهود است. با درنگ، باید پرسید کدام بیان دقیق‌تری است.

شکستن قواعد سنتی شعر یا شکستن قواعد، سنت شعر است؟ قطعاً شکستن قواعد سنت شعر است. بدر شاکر السیاب شاید هم‌دوش نیمای ما (هرچند به اندازه‌ی نیما بعد شعر ندارد) این را به فراست یافته بود و انجام می‌داد. شعری که در عبور از قواعد، پیامی روشن دارد و آن عبور از سلطه است. زبان رمزآلود، اسطوره و نمادین ویژگی شعر اوست که میراث ادبیات را در حد توان معاصریت داده است و پیراهنی مناسب فصل تجدد را بر تن تعابیر کرده است. در «سرود باران» که شعر مشهور ایشان است می‌خوانیم:

چیزی نمانده تا سیدای^۱ تندرهای را بشنوم که عراق در آستین خویش
نگه داشته است

اندکی بعد خواهیم شنید که عراق آذرخش‌هایی را در کوه‌ها و دشت‌هایش
پنهان کرده

حتا اگر مهر آن پنهانی به دست مردان رسیده باشد
بادها هیچ نشانی از قوم نمود باقی نمی‌گذارند

بدر السیاب همیشه جنگجوی حسرت‌ها بود و دریغ که زود به
خاموشی مرگ رسید (۳۸ سالگی)

بانوی شعر «گولیرا (وبا)» نازک الملائکه نیز دیگر ستون بارگاه شعر
معاصر عراق است که زندگی‌نامه‌ی تنهایی و ناشناسی انسان در عصر
حاضر به شمار می‌آید. آندوهی انسانی با لحن مطلقاً زنانه دارد و پرشش-
های عمیق و بی‌پاسخی در اشعارش وجود دارند.

من کیستم

شب از من می‌پرسد کیستم

من همان راز ژرفای سیاهی‌های اویم

تاریکی، تنهایی و ناشناسی رهاورد ابدی شاعران غمگین جهان است.
انسان‌دوستی و ستم‌ستیزی و پذیرش تبعید، پیام زیست شاعری درد-
آشناست. عبدالوهاب البیاتی شاعر دردآشنای روزگار ماست. او حافظ و
حلاج را زیسته و شیراز و اصفهان را گشته و پیوند آشکاری با اندیشه‌ی
ایرانی دارد. شعرش، سفرنامه‌ی تبعیدهای مکرر است؛ گاهی تبعید از خود

^۱ سیدا وازه‌ای است فارسی که نوشتنش با ص غلطی است مصطلح

و گاهی تبعید از وطن، شعری که در آن دردمندی هست اما درماندگی نیست. گاهی نگاهی نافذ و ناقد به تمدن دارد که در استعاره‌ی زنی تن-فروش در شب اروپا از آن یاد می‌کند؛ زنی که قطار او را جا گذاشته و زیر رگبار باران خواهد مرد.

به راستی اگر ضرورت نبود انسان چه می‌کرد؟ تاب‌آوری بیهودگی‌های روزمره، رمزی جز ضرورت بخشی به تفکر برای زندگی ندارد. ضرورتی که حاصل نیاز است و منابعی را معتبر می‌کند. پس به نوعی باید قدر دان ضرورت شعر برای زندگی باشیم چرا که ما را معتبر می‌کند، و در نازل-ترین وجه احتمال، ما را سرگرم می‌کند؛ هرچند سرگرمی شکننده و کودکانه‌ای به چشم بیاید. شعر را در موارد مصرفش بهتر می‌توان درک کرد؛ اینکه بیندیشیم کجای زندگی ما حضور دارد و اگر نبود، آیا گفتمانی موثر با خود و دیگران داشتیم؟! البته مقصود این نیست که باید همه شاعر باشند تا گفت‌و شنود کنند اما آنجا که مفاهیم دادوستد می‌شوند، عنصر خیال نقش‌آفرین است تا از مفهومی مصداقی نداشته باشیم نمی‌توانیم آن را درک کنیم و تداعی یا آفرینش مصداق‌ها کار بیروی خیال است. این کیمیای هستی، شاه‌کلید دل‌ها و مغزهای بسته است. و پناهگاهی برای فیلسوفان گریزان از پرسش‌های ملال‌آور که هرچند لختی بیاسایند و نفس تازه کنند و بروند، بهره‌ی خود را از شعر برده‌اند.

یادداشت ۲

شعر معاصر عراق سویه‌های معینی دارد که می‌توان برشمرد. در تحریر هر شاعری چند سویه بارزتر و یا نیم‌رنگ و کم‌رنگ می‌شود. جهان‌نگری و نقد و تحلیل، هم‌زمانی دلالت‌ها و ارجاعات جهان‌نگری هر شاعر، گویی خوانش اساطیری جهان با هویت مستقل امری مشترک و ضروری برای شاعران عراق است.

مردم‌شناسی و جامعه‌پژوهی نیز نقشی اساسی در نگاه شاعران، به روزگار معاصر دارد.

جنگ‌خوانی و تحلیل و آسیب‌شناسی عاطفی و بازگویی حسرت‌های بین‌النهرینی از دیرباز تا اکنون سویه‌ی مشترک دیگری است.

تبعید و پیامدهای آن و هشدار گاه و بی گاه آن، چه مبسوط چه موجز جوهر جاری در تالیفات است. هر شاعر سهمی از اندیشه اش را به موضوع تبعید می دهد.

وطنیات نه الزاماً مستقیم گویی در ستایش و نگاه به وطن، اما شاعری در عراق نیست که خاک وطن را در خون و گیاه نبیند.

زن، معشوق، مادر... تجلی سه گانه ی زن، معشوق و مادر در نوشتار شاعرانه ی عراق بسیار پر کاربرد است.

طبیعت، شهر، تنهایی... عناصر ممزوج شده در بافت ذهنی و زبانی شاعران امروز عراق هستند که اندیشه ی جمعی بخش کثیری از جامعه را نمایندگی می کنند.

تنیدگی و همسایگی زبان های شاعران معاصر نیز قابل درنگ است. ترکیب تجربه های زیستی منجر به ترکیب تجربه های زبانی هم می شود. درختی را تصور کنید با شاخه های سرکشیده به جهات مختلف که یک سر موکول به تنه ای واحد می شود و یک سر مماس با افق شعری خودش. بعضاً شاعری خود را ملزم به امتحان پس دادن بیش معلوماتش می داند و شاعری پیشنهاد تازه ای برای قرائتش از انسان دارد اما ممکن است هر دو، زمین مشترکی برای توصیف انتخاب کنند مثل خیابان یا پس کوچه های تاریخ.